وما توفیقی الا بالله
الحمد لله ... والصلوٰة علی رسوله النبی الذی لا نبی بعده که درین ایام فرحت انجام
حقیقة الاسلام
۱۳۰۲
۱۸۸۵

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین والصلوة والسلام علی سید الانبیاء والمرسلین
وامام المتقین خیر خلق الله اجمعین وعلی آله واصحابه سراج الدین ونجوم الطریق المبین
بدان اسعدک الله تعالی فی الدارین که اسلام کامل عبارتست از آنکه تسلیم کل ذی حق حقه
معنی آنکه هر صاحب حق را سالم و کامل ادا کنی بی تقصیر و بی فتور قسم اول از حقوق حق الله ست
حق الله تعالی ادا کنی که وجود و توابع وجود هر چه هست عطای اوست لا شریک له هر نفسی که فرو میرود
ممد حیاتست و چون بر می آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجودست و بر هر نعمتی شکری واجب
بیت از دست و زبان که برآید — کز عهده شکرش بدر آید — پس اگر توفیق شکر نعمتی
از نعمای وی خواه بزبان یا به جوارح یا بدل از موهب اوست حقشناس توفیق شکر هم از موهبت اوست پس
در هر شکر چندین شکر واجب میشود پس خروج از عهده شکر او تعالی محالست و مستلزم تسلسل قال الله
تعالی وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله لغفور رحیم یعنی اگر بشمرید نعمتهای خدا را
نتوانید احاطه کرد بدرستیکه حق تعالی بخشنده و مهربانست در کلمه غفور رحیم اشارتست بر آنکه حق تعالی
بفضل و رحمت خود تکلیف ما لا یطاق نداده و ادای حق شکر بخشیده و معاف فرموده و بقدر وسع شکر
واجب ساخته هر کسیکه بقدر طاقت انسانی در ادای شکر او کوشیده بفضل و رحمت خود او را شکور
بصیغه مبالغه خوانده چنانچه در حق نوح علیه السلام فرموده انه کان عبدا شکورا یعنی بود نوح
علیه السلام بنده بسیار شکر کننده و هر که در معتقد و رخود از شکر او تقصیری ورزد سخت ظالم و بغایت
کافر نعمت باشد که در شکر نعمتهای غیر متناهی چنین منعم از ادای شکر یعنی از معتقد و تقصیر کرده قال
الله تعالی وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الانسان لظلوم کفار یعنی اگر بشمرید نعمتهای
خدا را نتوانید احاطه کرد بدرستیکه انسان یعنی اکثر شان هر آینه سخت ظالم و بسیار کافر نعمتهای
پس قدری از شکر که از بندگان مطلوبست انست که او سبحانه را بصفات کمال او مطابق

نفس اللوامه است خوشی شماست و از خشم الهی ایمن باشید و از مرضیات است
اندر نفس که از حسد و از آن اجتناب است آن اخلاق کمال او است و از تکبر
و خیانت و تخلقت با نچه بپسندد بر رضا ست بلکه او با رضا ست که نفس خود
رضا و هر خلق ممدوح را رضا بر دو علمت نفس ما قدمت و اخرت است اگر
یعنی نفس هر کس در روز قیامت خواهد دانست که چه چیز را مقدم داشته و چه چیز را موخر
کرده رضای نفس بر رضای خدا یا رضای خدا بر رضای نفس قال الله تعالى قل
إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا
وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ
فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ یعنی بگوای محمد اگر باشند پدران شما و پسران شما
برادران شما و زنان شما و قبائل شما و مالهائی که کسب کرده اید و سوداگری که میترسید
از فوت شدن منفعت آن و خانهائی که پسند شماست دوست تر نزد شما از خدا و رسول او
و جهاد کردن و کوشش نمودن در مرضیات او پس منتظر باشید وقت آمدن امر و قضا او
بعذاب در دنیا یا در آخرت مسلمان را باید که هر که او دوست دارد برای خدا دوست دارد و
هر که را دشمن دارد برای خدا دشمن دارد و هر که را چیزی بدهد برای خدا بدهد و هر که را ندهد برای
خدا ندهد مثلاً اگر در دهن خود یا در دهن زن یا فرزند خود لقمه نهد این نیت دهد که حق تعالی
بر من واجب کرده است رسول فرمود مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ وَأَعْطَى لِلَّهِ وَمَنَعَ لِلَّهِ
فَقَدِ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ ابوداود از ابی امامه و ترمذی از معاذ این حدیث را روایت کردند
یعنی هر که دوست دارد برای خدا و دشمن دارد برای خدا و بدهد برای خدا و ندهد برای خدا
پس به تحقیق که ایمان خود را کامل کرده و رسول فرمود ع إِذَا أَنْفَقَ الْمُسْلِمُ نَفَقَةً عَلَى أَهْلِهِ
وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةً متفق علیه عن ابن مسعود یعنی اگر خرج کرد مسلم بر اهل خود
و نیت عبادت باشد مر او را صدقه فصل چون شناختن ذات و صفات و مرضیات و مکروهات
حق سبحانه و تعالی بی توسط پیغمبران صورت نه بندد و عقل در آن کافی نیست از جهت
ایمان بکتب الهی و رسل و بما جاء به الرسل داخل ایمان گشته رسول فرمود صلعم فرستادگان
قبیله عبد القیس را أَتَدْرُونَ مَا الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ یعنی میدانید که ایمان بخدا چیست آنها
گفتند خدا و رسول او دانا تر اند فرمود شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

یعنی گواہی دادن بتوحید و رسالت محمد رسول اللہ متفق علیہ عن ابن عباس و اطاعت
رسول اللہ اطاعت خدا گشتہ قال اللہ تعالی مَنْ یُّطِعِ الرَّسُوْلَ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰہَ یعنی ہر کہ
فرمان برداری کند رسول را او فرمان برداری خدا کرد و محبت رسول اللہ صلعم در رنگ محبت
خدا بلکہ عین محبت او تعالی شدہ رسول فرمودہ صلعم لَا یُؤْمِنُ اَحَدُکُمْ حَتّٰی اَکُوْنَ اَحَبَّ اِلَیْہِ
مِنْ وَّالِدِہٖ وَوَلَدِہٖ وَالنَّاسِ اَجْمَعِیْنَ متفق علیہ عن انس یعنی ایمان یکی از شما
ہیچ نباشد تا دوست تر باشم نزد او از والد و فرزند او و از تمام آدمیان پس ادای حق
رسول اللہ صلعم سم از طوق بشر خارج است اما مطلوب بقدر طاقت است آن امتثال اوامر و
نواہی اوست و کثرت صلوۃ و سلام بروی و محبت بہ آل و اصحاب او **فصل** پس بدانکہ
چون شناختن ذات و صفات و مرضیات و مکروہات بتوسط رسول صلعم رسیدہ خصوصا
بسعی خلفاء راشدین دین قوت و رونق گرفتہ و اقوال و افعال او علیہ السلام کہ بعضی صحابہ
را معلوم بود و اکثر برا معلوم نبود از سعی آنہا شہرت گرفتہ مسایل خلافیہ مجمع علیہ گشتہ کہ
در ہر مسئلہ صحابہ را جمع کردہ تحقیق کردہ ترویج میکردند پس ادای حق صحابہ و اہلبیت طاہرین
ادای حق رسول است و محبت و اطاعت شان مثل محبت و اطاعت رسول گشتہ فرمود
رسول صلعم مَنْ اَحَبَّہُمْ فَبِحُبِّیْ اَحَبَّہُمْ وَمَنْ اَبْغَضَہُمْ فَبِبُغْضِیْ اَبْغَضَہُمْ وَمَنْ اٰذَاہُمْ فَقَدْ
اٰذَانِیْ وَمَنْ اٰذَانِیْ فَقَدْ اٰذَی اللّٰہَ رواہ الترمذی عن عبد اللہ بن مغفل و فرمود
اِقْتَدُوْا بِاللَّذَیْنِ مِنْ بَعْدِیْ اَبِیْ بَکْرٍ وَّعُمَرَ رواہ مسلم والترمذی عن حذیفہ یعنی ہر کہ دوست
دارد اصحاب را پس بدوستی من آنہا نرا دوست داشتہ و ہر کہ آنہان را دشمن داشتہ
پس بدشمنی من آنہان را دشمن داشتہ و ہر کہ آنہان را ایذا کردہ پس بدرستی مرا ایذا کردہ
و ہر کہ مرا ایذا کردہ پس بدرستی کہ خدا را ایذا کردہ و فرمود پیروی کنید ہر دو خلیفہ کہ
پس من باشند ابوبکر و عمر و فرمودہ عَلَیْکُمْ بِسُنَّتِیْ وَسُنَّۃِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِیْنَ مِنْ بَعْدِیْ
یعنی لازم گیرید سنت من و سنت خلفاء الراشدین را کہ بعد من باشند و فرمود اَنَا مَدِیْنَۃُ
الْعِلْمِ وَعَلِیٌّ بَابُہَا رواہ الطبرانی والحاکم عن ابن عباس من شہر علمم علی دروازہ آنست
فرمودہ اِنِّیْ تَارِکٌ فِیْکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللّٰہِ وَعِتْرَتِیْ رواہ احمد والطبرانی عن زید بن ثابت
یعنی میگذارم بعد خود نزد شما دو وسیلہ محکم یکی قرآن دوم عترت خود و فرمود صلی
اللہ علیہ وسلم خُذُوْا نِصْفَ الْعِلْمِ مِنْ ہٰذِہِ الْحُمَیْرَاءِ یعنی بگیرید نصف علم از این حمیرا یعنی

عائشه رضی الله تعالی عنها و فرمود رسول صلی الله علیه وسلم اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم
رواه رزین عن عمر یعنی اصحاب من مانند ستارگان اند هر که از انها پیروی کنید
هدایت رسید این چنین احادیث بسیار اند **فصل** همچنین ادای حق علما محدثین
و فقهای مجتهدین و مصنفان کتب دین و سلسله اساتذه علوم ظاهر و پیران اساتذه علوم باطن
در رنگ حق صحابه و اهل بیت داخل ادای حق خدا و رسول است که اینها وارثان پیغمبر و حاملان
دین اند قال رسول صلی الله علیه وسلم اِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْاَنْبِيَاءِ وَاِنَّ الْاَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوْا
دِيْنَارًا وَّلَا دِرْهَمًا وَاِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ رواه اصحاب السنن عن کثیر بن قیس یعنی بدرستیکه
علما وارثان انبیا اند و بدرستیکه انبیا میراث نگذاشته اند دینار و نه درهم را و جز این نیست
که میراث گذاشته اند علم را و قال علیه السلام فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِيْ عَلٰى اَدْنَاكُمْ ثُمَّ
تَلَا اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ رواه الترمذی عن ابی امامة والدارمی عن مکحول
والحسن مرسلا یعنی فرمود آنحضرت فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت منست برادنی مسلمان
پستر خواند آیه یعنی نمی ترسند از خدا از جمله بندگان او مگر عالمان و فرموده رسول صلی الله علیه
وسلم اِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا یعنی حق تعالی مرا نفرستاده است مگر برای تعلیم کردن و رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم اَللّٰهُ اَجْوَدُ جُوْدًا وَاَنَا اَجْوَدُ بَنِيْ اٰدَمَ وَاَجْوَدُهُمْ بَعْدِيْ رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَهٗ
يَاْتِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اُمَّةً وَّاحِدَةً رواه البیهقی عن انس یعنی الله تعالی جواد ترست و
من جواد ترین آدمیانم و جواد تر آدمیان بعد من مردی باشد که علم آموخت و در مردم
پراگنده کرد روز قیامت بیاید جماعتی تنها ظاهر مراد آنست که هرچند امتی ست بنی نیست
کرامت یا دی باشد اما جماعت تلامذه مثل امت باشد و فرمود رسول صلی الله علیه وسلم
يُوْزَنُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ وَدَمُ الشُّهَدَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلٰى دَمِ
الشُّهَدَاءِ رواه الذهبی عن عمران بن حصین یعنی وزن کرده خواهد شد روز قیامت
سیاهی علما و خون شهیدان پس سیاهی علما غالب شود بر خون شهیدان اطاعت علما
و اولیا اطاعت خدا و رسول ست صلی الله علیه وسلم و محبت شان قال الله تعالی یا ایها
الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِي الْاَمْرِ مِنْكُمْ یعنی فرمان برداری
کنید خدا را و رسول خدا را و کسانی را که امر خدا به بندگان رسانند یعنی رسول الله صلی الله
علیه وسلم و اصحاب و اهل بیت او علیهم السلام و علما ظاهر و باطن بندگان خاص حق

شمارند از حقوق العباد ست اما حق ست حق الله تعالی اگر اینها نمی بودند کسی خدا را نمی شناخت
و حق شناسی ادا نمیکرد و رسول فرمود لَوْلَا اللّٰهُ مَا اهْتَدَيْنَا وَلَا تَصَدَّقْنَا وَلَا صَلَّيْنَا
یعنی اگر نمی بود هدایت خدا بانزال کتب و ارسال رسل کسی هدایت نمی یافت و کسی ادای زکوة و نماز
نمی کرد و اینها مستغرق اند در ذکر خدا از دیدن اینها خدا یاد می آید و دوستی و دشمنی با خدا ست در حدیث
قدسی آمده مَنْ عَادٰى لِيْ وَلِيًّا فَقَدْ اٰذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ رواه البخاری عن ابی هریرة یعنی هر که دشمنی
با ولی من پس خبر دار میکنم او را با جنگ کردن با من و نیز در حدیث قدسی آمده اِنَّ اَوْلِيَائِيْ مِنْ
عِبَادِيْ الَّذِيْنَ يُذْكَرُوْنَ بِذِكْرِيْ وَاُذْكَرُ بِذِكْرِهِمْ رواه البغوی یعنی اولیای من
از بندگان من کسانی هستند که یاد کرده شوند بیاد کردن من و من یاد کرده شوم از یاد کردن آنها
همچنین در حدیث نبوی آمده صلی الله علیه وسلم فتدبر و دوم قسمی دیگر از حقوق العباد حق کسانی
ست که ظاهر یعنی از حقوق الله آمده اند در ظاهر واسطه افتاده اند در ایجاد و پرورش و روزی
رسانیدن ما مانند آنچنانچه مادر و پدر و اجداد و جدات و کسانیکه در ظاهر حق تعالی بتوسط شان
روزی رسانید یا از آنها پرورش کنانید یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزت یا منفعتی از
منافع بتوسط شان رسانید شکر این هم مثل مادر و پدر واجب ست رسول فرموده مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ
يَشْكُرِ اللّٰهَ رواه مسلم والترمذی عن ابی سعید الخدری یعنی هر کس که شکر آدمیان نکند شکر خدا نکرده
و اکثر از ان حقوق والدین ست قال الله تعالى وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ وَهْنًا عَلٰى وَهْنٍ
وَفِصَالُهُ فِيْ عَامَيْنِ اَنِ اشْكُرْ لِيْ وَلِوَالِدَيْكَ یعنی امر کردیم انسان را آنکه نکوئی کند با مادر و پدر
نکوئی کردنی مادر در شکم بر داشت او را بمشقت بر مشقت و دو سال او را شیر داده و شکر کن
برای من و برای مادر و پدر خود این حکم در قرآن چندجا آمده رسول در کبایر ذکر کرده اشراک و عقوق
والدین را متفق علیه عن عبد الله بن عمر و عقوق عبارت ست از ایذا کردن و نافرمانی کردن و معنی
عق بالتشدید شق و قطع ست ضد بر و صله و احمد از معاذ بن جبل روایت کرده که رسول بده چیز وصیت
کرد و از ان جمله گفت لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ شَيْئًا وَاِنْ قُتِلْتَ اَوْ حُرِّقْتَ وَلَا تَعُقَّنَّ وَالِدَيْكَ وَاِنْ اَمَرَاكَ
اَنْ تَخْرُجَ مِنْ اَهْلِكَ وَمَالِكَ الحدیث یعنی شریک مکن بخدا چیزی را اگرچه کشته و سوخته شوی و نافرمانی
والدین مکن اگرچه امر کنند ترا بآنکه بیرون شوی از اهل و مال خود و در صحیحین از ابی هریره
روایت کرده که مردی از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید که زیاده حق برای نیکو صحبتی کیست
فرمود مادر تو گفت پستر کیست فرمود مادر تو گفت پستر کیست گفت مادر تو گفت پستر کیست گفت پدر تو

باشند که قدرت بر کسب داشته باشند بر فرزند عاقل بالغ که قدرت بر کسب داشته باشد و حق
است اگرچه کافر باشند از اهل ذمه در صحیحین از اسماء بنت ابی بکر روایت کرده که از رسول کریم پرسیدم
مادر من آمده است و کافره است صله با وی کنم فرمود آری بکن و امتثال امر در رضاجویی آنها در غیر
معصیت و ترک فرائض ترمذی از عبدالله بن عمر روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه وسلم
خدا در رضامندی پدر است و ناخوشی خدا در ناخوشی پدر است حق تعالی فرموده وَإِن جَاهَدَ
اكَ عَلَىٰ أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا
اگر جنگ کنند پدر و مادر تو برینکه شریک گویی با من چیزی را که تو علم نداری یعنی علم به توحید داری
درین امر فرمان برداری آنها مکن و در دنیا صحبت بخوبی با آنها کن رسول صلعم فرمود لَا طَاعَةَ
فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ رواه احمد والحاکم عن عمران والحکم عن عمرو الغفاری و فی صحیحین لَا طَاعَةَ
لِأَحَدٍ فِي مَعْصِيَةِ اللهِ إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ یعنی جایز نیست فرمان برداری هیچکس از
در نافرمانی خدا طاعت جایز نیست مگر آنچه در شرع جایز است **فصل** از جمله حقوق
پدر دوستی کردن است با دوستان پدر و نکویی کردن با دوستان پدر در غیبت او و صله عبارت
از آنچه موجب وصلت و اخلاص باشد از رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن اخلاق
در حق اقربا و از جمله حقوق پدران و مادران است صله و نکویی با اولاد آنها یعنی با برادران و خواهران و عمات
و خالات پدر و مادر و اولاد شان و همچنین الاقرب فالاقرب یعنی هر قدر که در نسب قریب تر باشد
حق او زیاده تر باشد حق تعالی فرموده در چند جا وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ یعنی بده صاحب قرابت
حق او و لهذا هر کس اگر غنی باشد واجب است بر وی نفقه ذی رحم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدرت
نداشته باشد اگرچه مسلم باشد قال الله تعالی وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ یعنی بر وارث نفقه واجب است
مثل نفقه اولاد و هر کس که ذی رحم محرم خود را مالک شود بمجرد مالک شدن آزاد گردد اگر
باشد قال علیه السلام مَنْ مَلَكَ ذَا رَحِمٍ مَحْرَمٍ عَتَقَ عَلَيْهِ رواه احمد وابو داود والحاکم عن
هر که مالک شود ذی رحم محرم خود را بر وی آزاد شود و جمع کردن دو زن ذی رحم محرم حرام است که
قطع رحم میشود آن اقربا هر کس که محرم نیست نفقه او واجب نیست لیکن صله او واجب است
حرام است نا موافقت آنها جایز نیست عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ ...
خَلَقَ اللهُ الْخَلْقَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ قَامَتِ الرَّحِمُ فَأَخَذَتْ بِحَقْوِ الرَّحْمَٰنِ فَقَالَ
قَالَتْ هَٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ الْقَطِيعَةِ قَالَ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ أَصِلَ مَنْ

تَصِلَ مَنْ وَصَلَكِ وَاَقْطَعَ مَنْ قَطَعَكِ قَالَتْ بَلٰى يَا رَبِّ قَالَ فَذَالِكِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ یعنی خدای تعالی پیدا کرد
خلق را و هر گاه که حق تعالی از پیدا کردن خلق فارغ شد رحم برخاست و حقو رحمان را گرفت حقو
ازار را گویند و این مجاز است و مراد آنست که از جناب ایزدی پناه جست عرب میگوید عذت بحقو فلان
یعنی پناه جستم بسوی فلان حق تعالی رحم را فرمود که چه میخواهی گفت که استاده ام پناه جویان از قطع فرمود
که آیا راضی نمیشوی که من وصلت کنم با کسیکه وصل کند ترا و قطع کنم از هرکه قطع کند ترا گفت که راضی
شدم ای رب فرمود همچنین کنم و در حدیث قدسی آمده اَنَا اللّٰهُ وَاَنَا الرَّحْمٰنُ خَلَقْتُ الرَّحِمَ وَشَقَقْتُ
لَهَا مِنِ اسْمِيْ فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَهَا بَتَتُّهُ رواه ابو داود والترمذی و احمد و الحاکم
عن عبد الرحمن بن عوف و الحاکم عن ابی هریرة یعنی من الله ام من رحمن ام رحم را پیدا کردم و از نام
خود نام او بر آوردم پس هر که او را وصل کند من با وی وصل کنم و هر که او را قطع کند من از وی قطع کنم
بخاری از ابی هریره از رسول صلعم روایت کرده که فرمود اَلرَّحِمُ شِجْنَةٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ فَقَالَ اللّٰهُ مَنْ وَصَلَكِ
وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَكِ قَطَعْتُهُ یعنی حق تعالی را از وی کیفیت با خدا حق تعالی فرمود
یعنی هرکه ترا وصل کند من با وی وصل کنم و هر که ترا قطع کند من از وی قطع کنم و از عائشه رضی الله عنها
در صحیحین مثل آنست و در صحیحین از جبیر بن مطعم مرویست که فرمود رسول صلعم قاطع رحم در جنت
نشود و بیهقی از عبد الله بن ابی اوفی روایت کرده که آنحضرت فرمود صلعم که رحمت نازل نمیشود در آن قوم
که در آنها کسی قاطع رحم باشد و در وجوب صله رحم و حرمت قطع احادیث بسیار وارد شده لهذا بر هر کس لازم
که از نسب خود خبردار باشد تا صله رحم کند و قطع از وی بظهور نیاید فایده رسول فرمود صلعم حق برادر
بزرگ بر برادر خورد مثل حق پدر است بر پسر این حدیث در بیهقی از سعید بن عاص روایت کرده حق
سبحانه بر کسیکه فساد کند در زمین و بر قاطع رحم لعنت کرده و گفته فَهَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ تَوَلَّيْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوْا
فِي الْاَرْضِ وَتُقَطِّعُوْا اَرْحَامَكُمْ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فَاَصَمَّهُمْ وَاَعْمٰٓى اَبْصَارَهُمْ یعنی
پس نزدیکست که اگر روگردانی کنید از حکم خدا آنکه فساد کنید در زمین و قطع کنید ارحام خود را آنها مستند
که لعنت کرده بر آنها حق تعالی پس کر نمود آنها را که حق را نمیشنوند و کور کرد چشمهای آنها را که حق را
نمی بینند امام احمد حنبل رحمة الله تعالی علیه لعنت بر یزید جائز گفته و با وجود قبائح بسیار یزید بنا بر قطع رحم بر آیة
جواز لعنت او استدلال کرده **سوال** از دو قریب اگر یکی را دوم بدسلوکی کند و قطع رحم نماید دوم را
با وی قطع جائز باشد یا نه **جواب** دوم را لازم که صله کند و قطع نکند و وبال قطع رحم بر قاطع رحم
برسد و برکات صله بر واصل رسول فرمود لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِئِ وَلٰكِنِ الْوَاصِلُ الَّذِي

إِذَا قُطِعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَهَا رواه البخاری عن ابن عمر یعنی واصل آن نیست که در مقابله نکوئی
نکوئی کند واصل آنست که اگر قطع کرده شود رحم از و وصل کند یعنی عوض بدی نیکی کند بیت بدی را
بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اسا مسلم از ابی هریره روایت کرده که مردی
از رسول صلعم گفت که یا رسول الله مرا اقربا هستند من صله آنها میکنم و آنها از من قطع میکنند
و من با آنها نکوئی میکنم و آنها بدی میکنند و من از آنها حلم میکنم و آنها بر من جهل میکنند آنحضرت
فرمود صلعم لَئِنْ كُنْتَ كَمَا قُلْتَ فَكَأَنَّمَا تُسِفُّهُمُ الْمَلَّ وَلَا يَزَالُ مَعَكَ مِنَ اللّٰهِ ظَهِيرٌ عَلَيْهِمْ
مَا دُمْتَ عَلَى ذٰلِكَ یعنی اگر همچنین ست که تو میگوئی پس گویا تو میخورانی آنها را خاکستر گرم یعنی آتش
میخورانی که هلاکت آنهاست و همیشه ترا از خداوند مددگاری خواهد بود بر آنها مادامیکه برین خصلت
باشی **فایده** صله رحم سوای ثواب در آخرت در دنیا فواید بسیار دارد رسول فرمود صلعم
مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ متفق علیه عن انس یعنی هر که خواهد که فراخ
شود رزق او و باقی ماند ذکر او از ماندن اولاد و ماندن آثار کنندگان خیر پس باید که صله رحم
کند رسول فرمود صلعم تَعَلَّمُوا مِنْ أَنْسَابِكُمْ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ فَإِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مَحَبَّةٌ
فِي الْأَهْلِ مَثْرَاةٌ فِي الْمَالِ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَثَرِ رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی قرابتهای خود
را دانسته باشید تا صله رحم کنید که صله رحم موجب محبت ست در اهل و موجب زیادت ست در مال
و بقای ذکر و قاطع رحم را سوای آنکه عذاب باشد در آخرت وبال در دنیا هم لاحق شود رسول فرمود
صلعم مَا مِنْ ذَنْبٍ أَحْرَى أَنْ يُعَجِّلَ اللّٰهُ لِصَاحِبِهِ الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا مَعَ مَا يُدَّخَرُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ
مِنَ الْبَغْيِ وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ رواه الترمذی و ابو داود عن ابی بکرة یعنی گناهی
لائق تر نیست که عقوبت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکه ذخیره داشته باشد عذاب برای
او در آخرت از بغی کردن با پادشاه عادل و قطع کردن رحم و نیز بیهقی از ابی بکره روایت کرده از
رسول فرمود كُلُّ الذُّنُوبِ يَغْفِرُ اللّٰهُ مِنْهَا مَا شَاءَ إِلَّا عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّهُ يُعَجَّلُ لِصَاحِبِهِ
فِي الْحَيٰوةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ یعنی هر گناه که باشد می بخشد خدا تعالی و آنچه خواهد مگر عقوق والدین
یعنی بیحرمتی که جزای آن میرساند او را عذاب در زندگی پیش از مرگ **فصل** و چون نظر بر حقوق
مادر و پدر برادران و خواهران دیگر اقربا و حیثیت نظر بر حقوق رسول و خلفا و پیران و استادان صله و نکوئی بجا
رسانیدن و فرزندان پیران و استادان هم ضرورست قال الله تعالی قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ
فِي الْقُرْبٰى یعنی بگو ای محمد نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت مزدوری لیکن دوستی داشتن قرابتهای من

فان له بذلک اجرا وان قال بغیره فان علیه منه وزرا مختصر است متفق علیه عن ابی هریرة

یعنی هرکه فرمان برداری من کرد فرمان برداری خدا کرد و هرکه نافرمانی من کرد نافرمانی خدا کرد و هرکه فرمان برداری
امیر کرد فرمان برداری من کرد و هرکه نافرمانی امیر کرد نافرمانی من کرد پادشاه هست که سپر مردم با
می کنند و بوی پناه میجویند پس اگر امر بتقوی و عدل کرد پس او را ثواب باشد و اگر چیزی دیگر گفت پس
بر وی باشد یعنی گناه و فرمود آنسرور علیه السلام اسمعوا واطیعوا وان استعمل علیکم عبد حبشی
کان رأسه زبیبة رواه البخاری عن انس یعنی بشنوید و فرمان برداری کنید امیر را اگرچه حاکم کرده شود
بر شما غلام حبشی که سر او مثل دانه انگور سیاه و خرد باشد فرمود السمع والطاعة علی المرء المسلم فیما احب و
کره ما لم یؤمر بمعصیة فاذا امر بمعصیة فلا سمع ولا طاعة متفق علیه عن ابن عمر و عن علی نحوه یعنی حکم امیر
و طاعت کردن واجب است بر مرد مسلمان در آنچه خوش آید او را یا ناخوش تا وقتیکه امر کرده نشود بمعصیت
پس هر وقتیکه امر کرده شود بگناه پس جائز نیست سمع و طاعت و فرمود من رأی من امیره شیئا یکرهه فلیصبر
فانه لیس احد یفارق الجماعة شبرا فیموت الا مات میتة جاهلیة متفق علیه عن ابن عباس یعنی
هرکه ببیند از حاکم خود چیزی که مکروه داند آنرا پس باید که صبر کند بدرستیکه نیست کسی که بغی کند و جدا شود
از جماعت مسلمانان بقدر یک وجب پس بمیرد در آنحال مگر آنکه مرده باشد مانند مردن جاهلیت
و فرمود انکم سترون بعدی اثرة وامورا تنکرونها قالوا فما تأمرنا یا رسول الله قال ادوا
علیهم حقهم واسئلوا الله حقکم متفق علیه عن ابن مسعود یعنی قریب است که خواهید دید پادشاهان
بعضی نفس پروری و چیزها که شما آنها را ناخوش دارید یاران گفتند پس چه میفرمائی ما را حضرت فرمود که
حق آنها ادا کنید و حق خود از خدا خواهید یاران گفتند یا رسول الله اگر باشند امرا که حق خود طلب کنند
و حق ما نه دهند فرمود اسمعوا واطیعوا فانما علیهم ما حملوا وعلیکم ما حملتم رواه مسلم عن
وائل بن حجر یعنی بشنوید حکم آنها و فرمان برداری کنید پس بدرستیکه واجب است بر آنها آنچه حق تعالی
بر ذمه آنها واجب کرده است از عدالت و رعیت پروری و واجب است بر شما آنچه واجب کرده است خدا تعالی یعنی
اطاعت و فرمان برداری فصل اگر قاضی حکم کند موافق شرع واجب است که بطیب خاطر آنرا قبول کرده شود
که حق تعالی میفرماید فلا وربک لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم
حرجا مما قضیت ویسلموا تسلیما یعنی بخدا ایمان نخواهند آورد تا آنکه حاکم گردانند ترا در آنچه منازعت
شود بستر نیابند در دلهای خود تنگی و ناخوشی از آنچه حکم کنی و قبول کنند قبول کردنی در هدایه گفت که اگر
قاضی گوید حکم کردم برین که این را سنگسار کن یا دست قطع کن یا دره بزن جائز است بجا آوردن

آن امام بر منبر گفت که اگر قاضی عالم و عادل باشد بجا آرد و اگر جاهل و عادل باشد [illegible]
اگر حکم موافق شرع بجا آرد والا نکند و اگر فاسق است بجا نیارد مگر وقتیکه سبب حکم او فتنه
در حق شوهر بر زن احادیث بسیار اند رسول فرمود لو کنت آمرا احدا ان یسجد لاحد لامرت
المرأة ان تسجد لزوجها رواه الترمذی و ابو داود و نحوه از قیس بن سعد و احمد از معاذ و [illegible]
یعنی اگر امر میکردم کسی را که سجده کند کسی را هر آینه امر میکردم زن را که سجده کند شوهر خود را و ترمذی از
ام سلمه روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که مرد و شوهرش از وی راضی است داخل بهشت شود
و ابو نعیم در حلیه از انس روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که نماز پنجگانه خواند و روزه رمضان
گذارد و عفت ورزد و فرمان برداری شوهر کند داخل شود به بهشت از هر در که خواهد و عائشه روایت کرده
آنحضرت فرمود اگر برای سجده کسی را حکم میکردم زن را حکم میکردم که سجده کند شوهر خود را و اگر شوهر زن را حکم کند
که از کوه سیاه بکوه سفید و از کوه سپید بکوه سیاه سنگها ببرد باید که همچنان کند ترمذی و ابن ماجه از معاذ
روایت کرده که رسول فرمود اگر زنی شوهر خود را آزار میدهد حوران بهشت میگویند لعنت کند
بر تو خدا نیست این شخص نزد تو مگر مهمان قریب است که از تو جدا شود بسوی ما فصل در حق
سید بر عبد فرمود رسول إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا نَصَحَ سَيِّدَهُ وَأَحْسَنَ عِبَادَةَ اللهِ فَلَهُ أَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ
متفق علیه عن عبد الله بن عمر یعنی بدرستیکه غلام اگر خیر خواهی مالک خود کند و نیک کند عبادت خدا
دو چندان ثواب یابد فرمود آنحضرت نِعِمَّا لِلْمَمْلُوكِ أَنْ يَتَوَفَّاهُ اللهُ بِحُسْنِ عِبَادَةِ رَبِّهِ وَ
طَاعَةِ سَيِّدِهِ وَنِعِمَّا لَهُ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی خوشا حال بنده مملوک که بمیرد و نیک کند عبادت
پروردگار خود و فرمان برداری مالک خود خوشا حال او و فرمود آنسرور علیه السلام إِذَا أَبَقَ الْعَبْدُ
لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلٰوةٌ وَفِي رِوَايَةٍ أَيُّمَا عَبْدٍ أَبَقَ مِنْ مَوَالِيهِ فَقَدْ كَفَرَ حَتّٰى يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ
رواه مسلم عن جریر یعنی اگر غلام بگریزد نماز او قبول نشود و در روایتی هر غلامیکه بگریزد از مالکان خود
بتحقیق کافر شود تا وقتیکه باز آید نزد ایشان یعنی کافر نعمت باشد و بیهقی از جابر روایت کرده که رسول
فرمود سه کس را نماز قبول نشود غلامیکه بگریزد تا که باز نزد مالک خود آید و زنیکه شوهرش
ناخوش باشد و مست تا که بهوش آید و فرمود صلعم لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَبَّبَ امْرَأَةً عَلٰى زَوْجِهَا أَوْ عَبْدًا
عَلٰى سَيِّدِهِ رواه ابو داود عن ابی هریرة رضی الله عنه یعنی نیست از ما کسی که فاسد کند
و فاسد کند زنی را بر شوهرش و غلامی را بر مالک او قسم چهارم قسمی دیگر از حقوق عباد حق
رعیت است بر سلطان و امیر و قاضی و حق زوجه بر شوهر و حق پرورش و تربیت فرزندان صغیر بر پدر

وما در حق مملوک بر مالک کرانبهم د والیع حق اند حق سبحانه تعالی بر ذات بی نیاز خود برای مملوکان و
بزرگان خود رحمت واجب کرده پس کسی را که در دنیا راعی ساخته و مالک گردانیده بر وی هم واجب
ساخته قال رسول الله علیه الصلوة والسلام الا کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته فالا
مام الذی علی الناس راع وهو مسئول عن رعیته والرجل علی اهل بیته وهو مسئول عن
رعیته والمراة راعیة علی بیت زوجها وولده وهی مسئولة عن رعیتها وعبد الرجل
راع علی مال سیده وهو مسئول عنه الا فکلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته متفق
علیه عن عبد الله ابن عمر یعنی آگاه باشید که هریکی از شما راعیست و هریکی از شما سوال کرده خواهد شد
از رعیت او که بحال آنها پرداخته یا آنها را ضایع و مهمل گذاشته پادشاه بر تمام آدمیان راعیست
سوال کرده خواهد شد از رعیت او و مرد در اهل بیت راعیست پادشاه از آنها سوال کرده خواهد شد
و زن بر خانه شوهر و اولاد او راعیه است از آنها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی راعیست
ازان سوال کرده خواهد شد **فصل** در حق رعیت بر پادشاه و امیر رسول فرموده ما من وال یلی
رعیته من المسلمین فیموت وهو غاش لهم الا حرم الله علیه الجنة متفق علیه عن معقل بن یسار یعنی
کسی نیست کسی والی که بر رعیتی از مسلمانان والی باشد پس بمیرد در حالیکه خیرخواهی رعیت نکرده باشد
مگر آنکه حق تعالی بر وی بهشت را حرام کرده و فرمود اللهم من ولی من امر امتی شیئا فشق
علیهم فاشقق علیه ومن ولی من امر امتی شیئا فرفق بهم فارفق رواه مسلم عن
عایشه یعنی ای بار خدایا هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس سختی کرد بر آنها پس سختی
کن بر وی و هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس با آنها نرمی و مهربانی کند تو بر وی نرمی
و مهربانی کن و مسلم از عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول فرموده عادلان بر منبرها از نور باشند
نزد حق تعالی آنها که عدل کنند در حکم و اهل آنها در آنچه والی کرده شده اند و دارمی از ابوهریره
از آنحضرت ع روایت کرده اند که فرمود نباشد هر کرده ده کس مگر آنکه آورده شود روز قیامت بسته تا که بگشاید
او را عدل یا هلاک کند او را ظلم و فرمود ان احب الناس الی الله یوم القیمة واقربهم منه
مجلسا امام عادل وان ابغض الناس الی الله یوم القیمة واشدهم عذابا امام
جائر رواه الترمذی عن ابی سعید یعنی بدرستیکه محبوب ترین آدمیان بسوی خدا روز قیامت و
نزدیکترین مردمان بسوی خدا از روی مرتبه پادشاه عادل باشد و بدرستیکه ناخوشترین
آدمیان بسوی خدا روز قیامت و سخت تر در عذاب پادشاه ظالم باشد و فرمود ان السلطان

ظلّ الله في الارض يأوي اليه كل مظلوم من عباده فاذا عدل كان له الاجر وعلى
الرعية الشكر واذا جار كان عليه الاصر وعلى الرعية الصبر رواه البيهقي عن عمر
يعني پادشاه سايهٔ خداست در زمين مي آيد بسوي او هر مظلوم از بندگان حق پس اگر عدل كرد او را ثواب
باشد و بر رعيت شكر واجب شود و اگر ظلم كرد بر وي عذاب بر رعيت صبر واجب شود فصل بر قاضي حكم
بحق فرضست و حكم خلاف شرع قريب كفر و ظلم و فسق است كما قال تعالى ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم
الكافرون فاولئك هم الظالمون فاولئك هم الفاسقون رسول فرمود القضاة ثلثة واحد في الجنة
واثنان في النار فاما الذي في الجنة فرجل عرف الحق فقضى به ورجل عرف الحق فجار
في الحكم فهو في النار ورجل قضى للناس على جهل فهو في النار رواه ابو داود
وابن ماجه عن بريدة يعني قاضيان سه قسمند يكي آنكه عالم باشد بحق و حكم بحق كند اين در بهشت باشد
دوم آنكه عالم باشد و حكم نكند بحق سوم آنكه جاهل باشد اين هر دو در دوزخ باشند ابو داود
از ابي هريره روايت كرد هر كه قاضي شود پس عدل او بر جور غالب باشد او را بهشت است و هر كه
غالب شود جور او بر عدل او در دوزخ باشد فصل در حق زن بر شوهر حق تعالى فرمايد ولهن مثل
الذي عليهن بالمعروف يعني زنان را بر ذمه مردان حقيست چنانچه مردان را بر زنان حق است رسول كريم
فرمايد ان من اكمل المؤمنين ايمانا احسنهم خلقا والطفهم باهله رواه الترمذي عن عائشة وروى
الترمذي عن ابي هريرة نحوه يعني از كاملترين مومنان در ايمان كسي باشد كه خوبترست از روي خلق
و مهربان ترست با اهل خود و فرمود خيركم خيركم لاهله وانا خيركم لاهلي رواه الترمذي
عن عائشة يعني بهترين شما كسيست كه بهترست با اهل خود و من بهترم براي اهل خود معاويه
قشيري از رسول كريم پرسيد كه حق زن بر شوهر چيست فرمود كه بخوراني چون خود بخوري و بپوشاني
چون خود بپوشي و مزن بر روي او و بد مگو او را و او را تنها مگذار مگر در خانه باشي رواه احمد
وابو داود وابن ماجه و فرمود آنحضرت روزي امشب زنان بسيار بخانه من آمدند و شكايت شوهران خود
ميكردند آن مردان خوب كس نيستند رواه ابو داود وابن ماجه والدارمي عن اياس بن عبد الله فصل در
حق شفقت بر فرزندان رسول كريم فرمود من عال جاريتين حتى تبلغا جاء يوم القيمة انا وهو
هكذا وضم اصابعه رواه مسلم عن انس يعني هر كه پرورش كند دو دختر را كه بالغ شوند بيايد روز قيامت
من و او چنين و دو انگشت مبارك باهم ضم كرده و در صحيحين از عايشه مرويست كه زني نزد من آمد
و با او دو دختر بودند از من سوال كرد نزد من چيزي نيافت مگر يك خرما پس دادم او را پس آن زن

خرما را در میان هر دو دختر تقسیم کرده داد و خود هیچ نخورد و رفت پس چون نبی صلعم آمد و قصه عرض کردم فرمود مَنِ ابْتُلِيَ مِنْ هٰذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ یعنی هر که مبتلا شود از دختران بچیزی یعنی چند دختران داشته باشد و با آنها نیکی کند ادرا پرده شوند از آتش دوزخ و هم
در صحیحین از عائشه مرویست که یک دهقانی نزد رسول آمد و گفت که شما بر طفلان بوسه میکنید با بوسه نمیکنیم آن حضرت فرمود ادرا أَوَأَمْلِكُ لَكَ أَنْ نَزَعَ اللّٰهُ مِنْ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ یعنی اگر خدا تعالی از دل تو رحم و شفقت دور کرده من چه میتوانم کرد فصل در حق مملوکان رسول کریم فرمود إِخْوَانُكُمْ جَعَلَهُمُ اللّٰهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ فَمَنْ جَعَلَ اللّٰهُ أَخَاهُ تَحْتَ يَدَيْهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ وَلَا يُكَلِّفْهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَلَّفَهُ مَا يَغْلِبُهُ فَلْيُعِنْهُ عَلَيْهِ متفق علیه عن ابی ذر یعنی برادران شما اند کرده است آنهارا الله تعالی زیر دست شما پس هر کرا حق تعالی برادر او را زیر دست او کند پس باید که بخوراند او را آنچه خود بخورد و بپوشاند او را آنچه خود بپوشد و تکلیف ندهد او را بکاری که بروی شاق باشد و اگر بکاری شاق امر کند خود هم مددگاری او کند بر آن کار فرمود إِذَا صَنَعَ لِأَحَدِكُمْ خَادِمُهُ طَعَامَهُ ثُمَّ جَاءَ وَقَدْ وَلِيَ حَرَّهُ وَدُخَانَهُ فَلْيُقْعِدْهُ فَلْيَأْكُلْ فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْفُوهًا قَلِيلًا فَلْيَضَعْ فِي يَدِهِ مِنْهُ أُكْلَةً أَوْ أُكْلَتَيْنِ رواه مسلم عن ابی هریرة یعنی وقتیکه طیار کند برای یکی از شما خادم او طعامی پس بیارد آن طعام در حالتیکه گرمی آتش و دود او بر داشته است پس باید که بنشاند او را همراه خود تا بخورد و اگر طعام اندک باشد و خورنده بسیار باید که بنهد در دست او یک لقمه یا دو لقمه و فرمود مَنْ قَذَفَ مَمْلُوكَهُ وَهُوَ بَرِيءٌ مِمَّا قَالَ جُلِدَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی هر که نسبت زنا کند مملوک خود را و او پاک باشد از آن او را حق تعالی روز قیامت حد زند و فرمود مَنْ ضَرَبَ غُلَامًا لَهُ حَدًّا لَمْ يَأْتِهِ أَوْ لَطَمَهُ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ أَنْ يُعْتِقَهُ رواه مسلم عن ابن عمر یعنی هر که زند غلام خود را حد و او موجب حد نکرده است یا او را طپانچه زند پس کفاره او آنست که او را آزاد کند و مسلم از ابی مسعود روایت کرده که من غلام خود را میزدم از پس پشت آوازی شنیدم که بدان ای ابا مسعود که حق تعالی بر تو قادر تر است از آنچه تو برین غلام قدرت داری چون پس پشت دیدم رسول خدا بود گفتم یا رسول الله این را برای خدا آزاد کردم فرمود اگر چنین نمیکردی با آتش میرسید آخر کلام رسول در مرض موت او بود الصَّلٰوةَ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ رواه البیهقی فی شعب الایمان عن ام سلمة و احمد و ابو داود و عن علی نحوه یعنی محافظت کنید بر نماز و بر حقوق مملوکان فرمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم ثَلَاثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ نَشَرَ اللّٰهُ

وابن عدی از عبد الله بن عمر نیز همچنین روایت کرده که رسول فرموده کَمْ مِنْ جَارٍ مُتَعَلِّقٌ بِجَارِهِ
یَا رَبِّ اسْأَلْ هٰذَا لِمَ اَغْلَقَ عَنِّی بَابَهُ وَمَنَعَنِی فَضْلَهُ رواه الاصفهانی عن ابن عمر یعنی
بسیار همسایه باشد که بگیرد همسایهٔ خود را و گوید ای پروردگار من بپرس از این چرا بند کرد دروازه
خود را از من و نداد مرا پس خورده خود و بخاری از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود
که همیشه جبرائیل مرا برای همسایه وصیت میکند حتی که گمان بردم که قریب است که حق تعالی او را وارث
گرداند و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول الله فرمود وقتیکه گوشت بپزی شوربا زیاده کن و همسایگان
را ضیافت کن عائشه از رسول پرسید که یا رسول الله مرا دو همسایه هستند بکدامی از آنها هدیه کنم فرمود
هر که نزدیکتر باشد دروازه او فرمود رسول مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيُحْسِنْ اِلٰى جَارِهِ
وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ
فَلْيَقُلْ خَيْرًا اَوْ لِيَصْمُتْ رواه البغوی وفی الصحیحین عن ابی هریرة نحوه یعنی هر که بخدا و روز
قیامت ایمان داشته باشد پس باید که همسایهٔ خود نکوئی کند و مهمان را اکرام کند و آنچه نیک باشد آنرا
گوید یا خاموش ماند سخن بیفایده نگوید بدان اسعدک الله تعالی که چون همسایه را که در خانه علیحده
میباشد چنین حق ثابت شده پس همصحبت و همسفر و رفیق الطریق اولی حق دارد چنانچه بابت همصحبتی رسول
کریم اصحاب خود را چه قدر مناقب فرموده برای محبت و تعظیم شان مبالغه کرده لیکن وجهست که
همنشینی و دوستی با نیکان کند و با کافران و فاسقان نکند رسول فرمود مَثَلُ الْجَلِيْسِ الصَّالِحِ وَالسُّوْءِ
كَحَامِلِ الْمِسْكِ وَنَافِخِ الْكِيْرِ فَحَامِلُ الْمِسْكِ اِمَّا اَنْ يُحْذِيَكَ وَاِمَّا اَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ وَاِمَّا اَنْ
تَجِدَ مِنْهُ رِيْحًا طَيِّبَةً وَنَافِخُ الْكِيْرِ اِمَّا اَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ وَاِمَّا اَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيْحًا خَبِيْثَةً متفق
علیه عن ابی موسی وفی روایة يُحْرِقُ بَيْتَكَ اَوْ ثَوْبَكَ اَوْ تَجِدُ مِنْهُ رِيْحًا خَبِيْثَةً یعنی حال
همسایهٔ نیک و همسایه بد آنچنانست که همسایهٔ نیک مانند صاحب مشک است ترا خواهد داد یا ازو
خرید خواهی کرد و ورنه بتو بوی خوش خواهد رسید و همسایه بد مانند سوزاننده بوته آتش آهنگر است که خانه
تو یا پارچه تو خواهد سوخت و گرنه بوی بد ازو بتو خواهد رسید و همچنین حاکم و ابوداود و انس
از آنحضرت روایت کرده که همسایهٔ نیک مثل عطر فروش است اگر عطر بتو نخواهد داد بوی بتو خواهد رسید و
ابوداود و ترمذی و حاکم از ابی سعید خدری روایت کرده که فرمود آنحضرت همنشینی مکن مگر با مسلمان
کامل الایمان و باید که طعام نخورد ترا اگر متقی و بغوی از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود
که آدم بر دین و مذهب دوست خود میباشد پس به بین که با که دوستی دارد و همچنین در صحیحین

از ابن مسعود از آنحضرت مرویست که فرمود المرء مع من احب یعنی انسان در آخرت با کسی باشد که
در او دوست دارد وحق تعالی میفرماید الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین یعنی
دوستان روز قیامت باهم دشمن شوند مگر متقیان وحق تعالی میفرماید که مردم در روز قیامت بر دوستی
کردن با بدان حسرت خواهند کرد و خواهند گفت یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا ای وای کاش
کاشکی نمی گرفتیم فلان کس را دوست مولوی روم میگوید مثنوی دور شو از اختلاط یار بد
یار بد بدتر بود از مار بد ۞ مار بد تنها همین بر جان زند - یار بد بر جان و بر ایمان زند ۞ صحبت صالح
ترا صالح کند - صحبت طالح ترا طالح کند ۞ تا خندان باغ را خندان کند - صحبت نیکان
از نیکان کند ۞ در صحیحین از ابی هریره رض مرویست که حدیث دراز طویل از رسول کریم در حق جماعت
کنندگان که چون حقتعالی بر آنها رحمت کند و بخشاید تمام همنشینان آنهان را بخشاید فرشتگان گویند
ای پروردگار مردیست گنهگار از آنها نیست برای کاری آمده و نزد آنها نشست حق تعالی فرماید که او را هم
بخشیدم آن قومیست که همنشین شان بدبخت نباشد و لهذا رسول کریم از همنشین بد و همسایه بد پناه جسته
طبرانی از عقبه بن عامر روایت کرده که رسول در دعای خود میگفت اللهم انی اعوذ بک من یوم السوء
ومن ساعة السوء ومن لیلة السوء ومن صاحب السوء ومن جار السوء فی دار المقامة
یعنی الهی پناه میبرم بتو از روز بدی و از ساعت بدی و از شب بدی یعنی از روزی و شبی و ساعتی که در آن بد
واقع شود و از همنشین بد یعنی همنشین و همسایه که مصدر بدی باشد همسایه که اقامت در خانه همسایه باشد
برای احتراز از همسایه بد رسول کریم در بیع زمین حق شفعه واجب کرده فائده پس شفیع را باید
که اگر مشتری بگیر دست طلب شفعه نکند و اگر بدست از خریدار راضی نشود قسم ششم قسمی دیگر از
حقوق العباد حق عامه مومنین است خصوصا از آنها حق کسیست که عاجز و ضعیف و یتیم و مسکین و بیوه
یا بیوه و حق سائلست و حق مسافر و مهمان که وارد شود قال الله تعالی وآتی المال علی حبه ذوی القربی
والیتمی والمسکین وابن السبیل والسائلین وفی الرقاب وفرمود فآت ذا القربی
حقه والمسکین وابن السبیل یعنی نیکوکار کسیست که داد مال بر دوستی خدا ذو القربی و یتیمان
و مسکینان و مسافران و سائلان را و در آزادی بندگان و فرمود حق تعالی فاما الیتیم فلا تقهر
واما السائل فلا تنهر یعنی یتیم را قهر مکن و سوال کننده را زجر مکن فرمود آنحضرت صلعم انا و
کافل الیتیم فی الجنة هکذا رواه احمد و بخاری و ابو داود و ترمذی عن سهل بن سعد یعنی من و
پرورش کننده یتیم در بهشت چنین باشند و اشارت کرد بدو انگشت خود و فرمود من [illegible]

والیوم الآخر فلیکرم ضیفه جائزته یومه و لیلته والضیافة ثلثة ایام فما بعد ذلک
فهو صدقة متفق علیه عن ابی شریح الکعبی یعنی هر که ایمان دارد بخدا و روز قیامت پس باید گرامی
کند مهمان خود را یکشبانروز در مهمانی او تکلیف باید نمود و مهمانی تا سه روز است و بعد از آن صدقه
است رسول فرمود للسائل حق وان جاء علی الفرس ابو داود و عن الحسین و علی رضی الله عنهما
و احمد عن الحسین یعنی سوال کننده را حق می باشد اگرچه بر اسپ سوار شده آمده باشد یعنی اگرچه غنی
باشد حالانکه سوال کردن غنی را حرام است رسول فرمود للمسلم علی المسلم ست بالمعروف
یسلم علیه اذا لقیه و یجیبه اذا دعاه و یشمته اذا عطس و یعوده اذا مرض
و یتبع جنازته اذا مات و یحب له ما یحب لنفسه رواه احمد و الترمذی دالو داود و عن علی
والنسائی عن ابی هریرة رضی الله عنه یعنی مسلمان را بر مسلمان شش حق است سلام گوید مردی چون ملاقات
کند و جواب دهد چون بخواند یا قبول دعوت او کند و یرحمک الله گوید چون حمد کند بعد عطسه و بیمار پرسی
کند چون بیمار شود و همراه جنازه او رود چون بمیرد و دوست دارد برای او آنچه دوست دارد برای نفس خود
در اصفهانی از علی از انس و در علیه السلام روایت کرده که فرمود بدرستیکه اگر یکی از شما بگذارد و تشمیت یعنی
یرحمک الله گفتن برادر خود را وقتیکه عطسه کند والحمد لله گوید پس مطالبه خواهد کرد او برادر و روز قیامت و نزد
ابو نعیم از سعد بن جبیر روایت کرده مسلم از ابی موسی روایت کرده که آنحضرت فرمود که پرهیز کنید از نشستن
بر راهها یاران گفتند یا رسول الله از نشستن بر راهها چاره نداریم فرمود که پس حق او بدهید راه را گفتند
که حق راه چیست فرمود که چشم بستن از حرام و اذیت نرسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بمعروف و
نهی کردن از نامشروع ابو داود و از عمر درین قصه زیاده کرده و فریادرسی کنید رنج رسیده را و راه
نمائید گم شده را قال الله تعالی واذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان علی کل
شیء حسیبا یعنی وقتیکه کسی سلام گوید بر شما پس جواب گوئید مثل آن یا بهتر از آن یعنی در جواب
السلام علیکم گوید علیکم السلام یا ضم کنید با وی ورحمة الله یا ورحمة الله وبرکاته مسلم از ابی هریرة رضی الله عنه
روایت کرده که رسول فرمود داخل بهشت نخواهید شد تا که ایمان آرید و ایمان کامل نخواهید شد تا که هم
دوستی کنید پس فرمود که خبر دهم شما را بچیزیکه باهم دوست شوید افشوا السلام علیکم یعنی بسیار کنید سلام
باهم ابیهقی از ابن مسعود از آنحضرت روایت کرده که کسی که اول سلام گوید پاک شود از تکبر کسی از آنحضرت
پرسید که از خصلتهای اسلام کدامی بهتر است فرمود بخوردانی طعام و بخوانی سلام بر هر که شناسی
یا نشناسی آیة کریمه اذا حییتم اگرچه در حق سلام وارد شده لیکن بعموم لفظ دلالت میکند

بگذارید اینها نرا تاکه باهم صلح کنند رواه مسلم عن ابی هریره مرویست که آنحضرت فرموده که روز قیامت
مردی مردیرا بگیرد و گوید که تو بامن چه کار داری من ترا نمی شناسم آن مرد گوید که تو مرا بر کار بد دیدی
یعنی نهی از منکر فرض ست گر در صورتیکه داند که او قبول نخواهد کرد و رسول فرموده لَا یَرْحَمُ اللّٰهُ مَنْ
لَمْ یَرْحَمِ النَّاسَ متفق علیه عن جریر بن عبد الله یعنی رحم نمیکند خدا بر کسی که رحم نمی کند بر مردمان
و فرموده اَلرَّاحِمُوْنَ یَرْحَمُهُمُ الرَّحْمٰنُ اِرْحَمُوْا مَنْ فِی الْاَرْضِ یَرْحَمْکُمْ مَنْ فِی السَّمَاءِ
رواه ابوداود والترمذی عن عبد الله بن عمر یعنی رحم کنندگان را رحمن رحم میکند رحم کنید کسانیکه در
زمین اند رحم کند بر شما حق تعالی که حکم او جاریست در آسمان و رحم کنند ملائکه آسمان و فرموده مَنْ لَمْ یَرْحَمْ
صَغِیْرَنَا وَلَمْ یَعْرِفْ کَبِیْرَنَا فَلَیْسَ مِنَّا رواه البخاری فی الادب والبوداود عن ابن عمر یعنی هر که
رحم نکند بر صغیر ما و نشناسد حق بزرگ ما پس از ما نیست و فرموده رسول ص نیست دروغگو کسی که صلح
کناند در مردم و بگوید نیک و برساند پیغام نیک این حدیث را در صحیحین از ام کلثوم بنت عقبه روایت
کرده احمد و ترمذی از اسماء بنت یزید روایت کرده که گفت رسول ص حلال نیست دروغ گفتن مگر سه
جا دروغ گفتن با زن برای راضی کردن او و دروغ در جنگ کفار یعنی بقسمیکه عذر نباشد و دروغ
گفتن برای صلح در مردم فرموده اَلَا اُخْبِرُکُمْ بِاَفْضَلَ مِنْ دَرَجَةِ الصِّیَامِ وَالصَّدَقَةِ
وَالصَّلٰوةِ صحابه گفتند بلی یا رسول الله فرموده اِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَیْنِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَیْنِ
هِیَ الْحَالِقَةُ رواه ابوداود والترمذی عن ابی الدرداء وقال هذا حدیث صحیح آنحضرت
اصحاب را گفتند که خبر دهم شما را بچیزیکه افضل باشد در درجه از روزه و صدقه و نماز صحابه گفتند آری
خبر ده یا رسول الله فرموده صلح کنانیدن در میان مردم فضیلتست از روزه و صدقه و نماز و فساد کردن
در مردم حالقه است و فرموده آنحضرت دَبَّ اِلَیْکُمْ دَاءُ الْاُمَمِ قَبْلَکُمُ الْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ
هِیَ الْحَالِقَةُ لَا اَقُوْلُ تَحْلِقُ الشَّعْرَ وَلٰکِنْ تَحْلِقُ الدِّیْنَ رواه احمد والترمذی عن زبیر یعنی
آمد بسوی شما مرضی که در امتهای پیشین بود باهم حسد کردن و بغض نمودن این صفت حالقه ست یعنی
تراشنده نمیگویم که موی را می تراشد بلکه دین را میتراشد و فرموده آنحضرت ص پرهیز کنید از حسد بدرستیکه
حسد میخورد نیکیها را چنانچه میخورد آتش چوب خشک را رواه ابوداود عن ابی هریره و فرموده آنحضرت ص اِیَّاکُمْ وَسُوْءَ
ذَاتِ الْبَیْنِ فَاِنَّهَا الْحَالِقَةُ رواه الترمذی عن ابی هریرة یعنی پرهیز کنید از بدی در میان هر دیگر
این صفت تراشنده ست دین را و فرموده آنحضرت ص مَنْ ضَارَّ ضَارَّ اللّٰهُ بِهٖ وَمَنْ شَاقَّ شَقَّ اللّٰهُ
عَلَیْهِ رواه ابن ماجه والترمذی عن ابی صرمة یعنی هر که ضرر رساند دیگری را خدا اورا ضرر رساند

و هر که شفقت و رحم نکند بر او خدا هم شفقت نکند ترمذی از ابی بکر صدیق روایت کرده که فرمود آنحضرت
ملعونست کسی که مؤمنان را ضرر رساند یا مکر کند با ایشان و ابوداود از سعید بن زید از پیغمبر عالم روایت
کرده که فرمود بدترین زیان درازی است در آبروی مسلمانی بغیر حق و رسول فرمود مَنِ اعْتَذَرَ اِلَى
اَخِيهِ فَلَمْ يَعْذِرْهُ اَوْ لَمْ يَقْبَلْ عُذْرَهُ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ خَطِيئَةِ صَاحِبِ مَكْسٍ رواه البیهقی
عن جابر یعنی هر که عذر خواهد بسوی برادر خویش او عذر قبول نکند باشد بر وی گناه مانند گناه صاحب
راهداری بدان اعزک الله تعالی حق اخوة اسلامی بالاتر است از همه حقوق چرا که در حق قرابت نسبی
والدین واسطه اند و در اخوة اسلامی خدا و رسول خدا واسطه اند رسول کریم پدر همه مومنانست حق تعالی فرمود
النَّبِيُّ اَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهُ اُمَّهَاتُهُمْ و در قرارة ابی بن کعب خوانده شد
وَهُوَ اَبٌ لَهُمْ یعنی نبی اولی است بتصرف در مومنان از نفس ایشان و ازواج او مادران مومنانند
و او پدر ایشانست و لهذا حق تعالی فرمود اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ یعنی نیستند مومنان
باهم مگر برادران خود بنا بر اخوة اسلامی ملائکه برای مومنان استغفار می کنند حق تعالی میفرماید
اَلَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ الآية و میفرماید وَالْمَلٰئِكَةُ
يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ یعنی حاملان عرش و آنها که گرد اوست تسبیح
می کنند با حمد پروردگار خود و استغفار می کنند برای کسانیکه ایمان آورده اند و جای دیگر می فرماید فرشتگان تسبیح
با حمد می کنند پروردگار خود را و برای اهل زمین استغفار می کنند سوال اگر حق اخوة اسلامی از اخوة
دیگر حقوق بالاتر است پس حق اخوة نسبی را چرا مقدم نوشتی و حق تعالی میفرماید وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ
اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللّٰهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ یعنی اقربای نسبی بعضی ببعضی را اولی
و بهتر اند از مومنان و مهاجران و لهذا میراث در قرابت نسبی است نه در قرابت اسلامی و رسول
فرمود اَلصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِينِ صَدَقَةٌ وَهِيَ عَلَى ذِي الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ
وَصِلَةٌ رواه احمد والترمذی والنسائی و ابن ماجه عن سلیمان بن عامر جواب قرابت نسبی
وغیره که بالا مذکور شد اند همه آن اسلام شرط است به همه جا اسلام معتبر است معنی آیت آنست که اولو الارحام
که مسلمان اند از مومنان مهاجرین که قرابت نسبی ندارند بهتر اند در ارث مقدم و مراد حدیث آنکه صدقه
بر مسکین مسلم اجنبی یک ثواب دارد و بر ذی رحم که مسکین باشد دو ثواب دارد لهذا اقربا اگر نباشند
میراث با ایشان نرسد بلکه بعامه مومنین رسد و در بیت المال که خزانه عامه مومنین است داخل کرده
شود اگر پدر کافر باشد گو نفقه او بر پسر واجبست لیکن محبت و دوستی با وی نباید

از و بلکه بیزاری باید نمود قال الله تعالی ما کان للنبي والذین آمنوا أن یستغفروا للمشرکین
ولو کانوا أولي قربی من بعد ما تبین لهم أنهم أصحاب الجحیم وما کان استغفار
إبراهیم لأبیه إلا عن موعدة وعدها إیاه فلما تبین له أنه عدو لله تبرأ
منه یعنی نباشد نبی را و مومنین را که مغفرت خواهند برای مشرکان اگرچه باشند آنها صاحب
قرابت بعد از آنکه ظاهر شود ایشان را که آنها از اهل جحیم اند و نبود استغفار ابراهیم برای پدر خود مگر
از جهت وعده که پدر با وی کرده بود که اسلام خواهم آورد پس هرگاه که ظاهر شد بر وی که این دشمن
خداست از وی بیزاری کرد و نیز آمده در حدیث کل نسب وصهر ینقطع یوم القیامة إلا
نسبي وصهري حدیث صحیح است ابن عباس و ابن عساکر از ابن عمر روایت کرده یعنی هر قرابت
نسبی و قرابت خسری و دامادی که باشد در روز قیامت منقطع خواهد شد مگر قرابت نسبی و خسری من و مراد ازین حدیث
آن نیست که قرابت همه مومنان غیر من منقطع خواهد شد مگر قرابت پاک من بلکه مراد آنست که همه مسلمانان
فرزندان من اند نسب و صهر مومنان منقطع نخواهد شد دلیل برین تفسیر آنست که حق تعالی در حق مومنان
میفرماید والذین آمنوا واتبعتهم ذریتهم بإیمان ألحقنا بهم ذریتهم وما ألتناهم
من عملهم من شيء یعنی کسانیکه ایمان آورده اند و اولادشان تابع ایشان اند
در ایمان اولادشان را در بهشت بمرتبه پدران ملحق خواهیم کرد و از عمل پدران کم نخواهیم کرد هیچ و
نیز حق تعالی میفرماید وما أموالکم ولا أولادکم بالتي تقربکم عندنا زلفی إلا من
آمن وعمل صالحا یعنی اموال کافران و اولاد آنها را بما نزدیک نخواهند کرد دیگر کسیکه ایمان
آورده است و عمل صالح کرده اموال و اولاد آنهان را بما نزدیک خواهند کرد و در حق کافران
فرموده فلا أنساب بینهم یومئذ یعنی نسبی شان در میان شان نخواهند ماند در روز قیامت
و فرموده وتقطعت بهم الأسباب منقطع خواهد شد در میان شان اسباب پس ازین آیات
دیگر و احادیث نبوی معلوم میشود که نسب در مومنان باقی خواهد ماند یکی دیگر را مفید خواهد شد هم
بسبب قرابت و هم بسبب دوستی و غیره کافران را هیچ فایده نخواهد کرد یوم یفر المرء من أخیه
وأمه وأبیه وصاحبته وبنیه الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقین
یعنی روز قیامت بگریزد مرد از برادر خود و مادر و پدر و زن و فرزندان خود و دوستان آن روز با هم
دشمن خواهند شد مگر متقیان غرض ازین کلام آن است که در جمیع حقوق مذکوره هر کسیکه در اسلام
و تقوی افضل و اقوی باشد او برای محبت و صلت اولی و احق باشد والله اعلم

استیماع و استفراش نکاح و منع و مانند آن لازم شود ادای این حقوق یعنی تسلیم مبیع بعد قبض ثمن
بمشتری و تسلیم بضع بزوج و تسلیم مبیع بشفیع و ایفای ثمن و قرض و مهر و اجرت و رد عاریت و ودیعت
و امثال آن از فرایض مقام مخصوص ست و از حقوق الله تعالی که احتمال مغفرت دارند اولی بالاداست
و در تلف این حقوق و عدم ادای دیون احتمال عدم مغفرت ست رسول فرمود یُغْفَرُ لِلشَّهِیدِ کُلُّ
ذَنْبٍ اِلَّا الدَّیْنَ رواه مسلم عن عبد الله بن عمر یعنی بخشیده میشود برای شهید هر گناه مگر دین و فرمود
مَطْلُ الْغَنِیِّ ظُلْمٌ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی درنگ کردن در ادای دین بعد میسر شدن ظلم است
جنازه پیش پیغمبر آمده برای نماز آنحضرت پرسید آیا بروی دین کسی هست گفتند که نی آنحضرت بروی
نماز جنازه خواند دیگر جنازه آمد پرسید که بروی دین کسی هست یعنی حق بندگان گفتند هست گفت آیا
گذاشته ست گفتند آری سه دینار آنحضرت بروی نماز خواند سوم جنازه آمد پرسید که بروی دین
کسی هست گفتند آری سه دینار پرسید که چیزی مال گذاشته ست گفتند نی فرمود شما نماز بروی
بخوانید ابو قتاده گفت یا رسول الله دین او بر خود گرفتم نماز بروی بخوان آنگاه نماز خواند
بخاری از سلمة بن اکوع روایت کرده و بغوی در شرح السنة از ابی سعید خدری روایت کرده که جنازه
آمد رسول علیه السلام پرسید که بروی دین هست گفتند آری آنحضرت پرسید که مقدار دین مال گذاشته است
گفتند نی حضرت فرمود که شما خوانید علی رضی الله عنه گفت که دین او بر خود برگرفتم آنوقت نماز خواند و گفت
علی را که حقتعالی ترا از بندها رها کناد چنانچه تو یار خود را از بند رها کردی مسلم از ابی قتاده روایت
کرده که مردی گفت یا رسول الله در حالیکه رو بر قتال داده باشم حقتعالی گناهان من بخشد
فرمود آری مگر دین این چنین جبرائیل ع بمن گفت و برای ادای مهر حقتعالی میفرماید وَآتُوا النِّسَاءَ
صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً یعنی بدهید زنان را مهرهای شان بخوشی دل یا از مال حلال بی شبهه یا بنا بر روایات
و فرمود اَعْطُوا الْاَجِیرَ اَجْرَهُ قَبْلَ اَنْ یَجِفَّ عَرَقُهُ رواه ابن ماجه عن ابن عمر و ابو یعلی عن
ابی هریرة و الطبرانی عن جابر و الحکیم الترمذی عن انس یعنی بدهید مزدور را مزدوری او پیش از آنکه
خشک شود عرق او و رسول فرمود اِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَاَتَهُ اِلَی فِرَاشِهِ فَاَبَتْ فَبَاتَ غَضْبَانَ
لَعَنَتْهَا الْمَلَائِکَةُ حَتَّی تُصْبِحَ متفق علیه عن ابی هریرة وقتیکه شوهر زن خود را بر فرش خود طلب کند و او
انکار کند شوهر بغصه بخوابد فرشتگان تا صبح بر آن زن لعنت کنند قال الله تعالی اِنَّ اللهَ یَاْمُرُکُمْ
اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمَانَاتِ اِلَی اَهْلِهَا یعنی الله تعالی حکم میکند شما را که امانتها را بمالکان شان ادا کنید
فصل اگر شخصی اراده ادای دین داشته باشد و ادا نشود و بمیرد امید ست که حق تعالی در آخرت

وایشان او را راضی سازد و او را به بهشت برد رسول فرمود تداينتم بدين وفي نفسه وفاء
لقضائه تجاوز الله عنه وارضى غريمه بما شاء ومن تداين بدين وليس في نفسه و
فاء ثم مات اقتص الله تعالى لغريمه منه يوم القيمة رواه الحاكم عن ابي امامة
یعنی هر که معامله کند دین بروی لازم شود و اراده ادای آن دارد و بمیرد حق تعالی او را ببخشد
و ایشان او را راضی سازد و هر که معامله کند دین دار شود و اراده ادا نداشته باشد عوض دهد حق
غریمی او را در قیامت و طبرانی و حاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند این عبارت
من ادى دينا وهو ينوي ان يؤديه فمات فقال الله تعالى يوم القيمة الا عند يعني عبدي فيأخذ
من حسناته فيجعل في حسنات الآخر فان لم يكن له حسنات اخذ من سيئات الآخر
فيجعل عليه یعنی هر که بمیرد و اراده ادای دین نداشته باشد گوید حق تعالی که من بنده
خود را از این میگیرم پس از حسنات مدیون بداین داینده شود و اگر حسنات نباشد گناهان این بر مدیون
نهاده شود و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود دو قسم اند بمیرد و نیت ادای دین داشته باشد
پس من ولی او هستم یعنی او را ببخشایم و از حق تعویض او دهانم و هر که بمیرد و نیت ادای این ندارد
گرفته شود از حسنات او و در آن روز درهم و دینار نیست و چنین از ابن عمر از آنحضرت مرویست
فصل در حقوق العباد که سبب آن معصیت است چون قتل نفس یا قطع عضو یا گرفتن مال کسی بغصب یا سرقه
یا خیانت یا آبروی کسی بردن یا دشنام دادن یا غیبت ادای این حق رد مظلمه و استرضای مظلوم
است بدون استرضای مظلوم عفو و مغفرت در تلاف این چنین حقوق نتواند شد الا ما شاء الله رسول فرمود
الدواوين ثلثة فديوان لا يغفر الله به شيئا وديوان لا يترك الله منه شيئا وديوان
لا يعبؤ الله به فاما الديوان الذي لا يغفر الله فالشرك واما الديوان الذي لا يعبؤ الله
به شيئا فظلم العبد نفسه فيما بينه وبين ربه من صوم تركه او صلوة
تركها فان الله يغفر ذلك ويتجاوز ان شاء واما الديوان الذي
لا يترك الله منه شيئا فظلم العباد بعضهم بعضا القصاص لا محالة رواه الحاكم
واحمد عن عائشة یعنی نامهای اعمال سه گونه اند یکی آنست که حق هیچ نمی شمارد او را و دیگری
آنست که آن را هیچ نمی گذارد و دیگر آنست که آن را هرگز نمی بخشد آن نامه که آن را نمی بخشد آن شرک
است و آن نامه که آن را هیچ نمی شمارد آن ظلم بنده است بر نفس خود به ترک حقوق حق تعالی از ترک
روزه و نماز و مانند آن پس حق تعالی ببخشد این هرگز نخواهد و آن نامه که از آن هیچ نمیگذارد

آن ظلم نبود که دست یکی بر دیگری دراز شود و قصاص خواهد شد البته و طبرانی روایت کرده از سلمان و
بزاز همچنین از انس روایت کرده اند و فرموده آنحضرت صلعم هر که باشد نزد او مظلمه برای برادر
خود باید که در دنیا از و بحل سازد که در روز قیامت نه دینار هست نه درهم اگر ظالم را عمل صالح باشد
بقدر ظلم عمل او گرفته بمظلوم داده شود و اگر عمل صالح نباشد گناهان مظلوم از و برداشته
ظالم نهاده شود رواه البخاری عن ابی هریرة و مسلم و ترمذی هم از ابی هریرة روایت میکنند که رسول
از یاران پرسید که مفلس کدام کس باشد یاران گفتند مفلس کسی باشد که مال و متاع نداشته
باشد آنحضرت فرمود که مفلس از امت من کسی باشد که در روز قیامت حاضر شود با نماز و روزه
و زکوة لیکن یکی را دشنام داده باشد دیگری را تهمت زنا کرده باشد کسی را مال خورده باشد و کسی را
خون ریخته باشد و کسی را زده باشد پس نشانیده شود و این را و آن را عوض گرفته شود هر یکی از حسنات او
بگیرد پس چون حسنات او هیچ نماند و تمام حقوق که بر ذمه او بوده باشد ادا نشده باشد گرفته شود گناهان
مظلومان و نهاده شود بر وی پس او را در دوزخ انداخته شود و رسول فرمود مَا مِنْ رَجُلٍ يَضْرِبُ
عَبْدًا لَهُ إِلَّا أُقِيدَ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رواه البزار و الطبرانی عن عمار و عن ابی هریرة نحوه یعنی هیچ
مرد نباشد که زده باشد غلام خود را مگر آنکه عوض گرفته شود از وی روز قیامت همچنین حاکم از سلمان
و سعد و ابن مسعود و غیرهم روایت کرده و همچنین طبرانی از ابی امامه و ابی برده و انس روایت
کرده و نیز از ابراهیم نخعی روایت کرده که گفته بود جماعه صحابه و تابعین میگفتند که اگر
مردی دیگری را گفت ای سگ یا خوک یا خر حق تعالی روز قیامت خواهد پرسید که تو دیده بودی که
من این را سگ یا خوک یا خر آفریده بودم فائده ظلم چنانچه بر مسلم حرام است بر ذمی هم حرام است که
عهد اهل ذمه عهد رسول است و عهد شکنی رسول لازم می آید رسول فرمود مَنْ قَذَفَ ذِمِّيًّا حُدَّ لَهُ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِسِيَاطٍ مِنَ النَّارِ رواه الطبرانی عن واثلة بن الاسقع یعنی هر که تهمت زنا کند بر ذمی او
را روز قیامت حد زده خواهد شد بدره از آتش و فرمود اَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا اَوِ انْتَقَصَهُ
حَقَّهُ اَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ اَوْ اَخَذَ شَيْئًا بِغَيْرِ طِيبِ نَفْسِهِ فَاَنَا حَجِيجُهُ يَوْمَ
الْقِيٰمَةِ یعنی آگاه باشید هر که ظلم کند ذمی را یا کم کند از حق او یا تکلیف دهد او را زیاده از طاقت
او یا گرفت از چیزی بی رضامندی او پس من خصومت کننده باشم با وی روز قیامت فائده
باید دانست که هر گناهی که باشد سوای شرک جزای آن متناهی است اگرچه کثیر و شدید باشد پس مقتضای
این احادیث آنست که حقوق عباد خصوصا مظالم هرگز مهمل نگذاشته شود و قصاص آن ضرورت

مظلومان را ثواب حسنات ظالمان داده شود تا وقتیکه هیچ از حسنات شان نماند پس اگر مظالم باقی
گناهان مظلومان بر ظالمان نهاده آنها را داخل دوزخ کرده شود پس هرگاه که سزای سیئات شان تمام
شود اگرچه بعد مکث طویل مومنان ظالمان از مظالم پاک شوند آن زمان داخل بهشت کرده شوند
بمقتضای ایمان که جزای ایمان خلود است در بهشت اینچنین امام بیهقی گفته لیکن از شامت
مظالم آگاه باشد که ایمان سلامت نماند و نعوذ بالله منها حق تعالی از صدور مظالم در پناه خود دارد شعر
مباش در پی آزار و هرچه خواهی کن که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست یعنی در شریعت
محمدی مانند مظالم هیچ گناه نیست. فایده اگر بر ذمه شخصی مظالم بود و از آن توبه کند و از
ظلم اجتناب کند و در مظالم استرضای مظلومان از مقدور او خارج باشد در این صورت امید
است که حقتعالی ضمان او را در روز قیامت راضی سازد رسول فرمود رَجُلَانِ مِنْ اُمَّتِیْ جَثَیَا
بَیْنَ یَدَیْ رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰی فَقَالَ اَحَدُهُمَا یَا رَبِّ خُذْ لِیْ مَظْلِمَتِیْ مِنْ
اَخِیْ فَقَالَ اللهُ اَعْطِ اَخَاكَ مَظْلِمَتَهٗ فَقَالَ یَا رَبِّ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِیْ شَیْءٌ فَقَالَ اللهُ
کَیْفَ تَصْنَعُ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِهٖ شَیْءٌ فَقَالَ یَا رَبِّ یَحْمِلُ مِنْ اَوْزَارِیْ وَفَاضَتْ عَیْنَا
رَسُوْلِ اللهِ صلعم بِالْبُكَاءِ وَقَالَ اِنَّ ذٰلِكَ یَوْمٌ عَظِیْمٌ یَوْمَ یَحْتَاجُ النَّاسُ اِلٰی اَنْ یُحْمَلَ
عَنْهُمْ اَوْزَارُهُمْ فَقَالَ اللهُ اِرْفَعْ رَاْسَكَ فَانْظُرْ فِی الْجِنَانِ فَرَفَعَ رَاْسَهٗ فَقَالَ
یَا رَبِّ اَرٰی مَدَائِنَ مِنْ فِضَّةٍ مُرْتَفِعَةٍ وَمِنْ ذَهَبٍ مُكَلَّلَةٍ بِاللُّؤْلُؤِ لِاَیِّ نَبِیٍّ
اَوْ لِاَیِّ صِدِّیْقٍ اَوْ لِاَیِّ شَهِیْدٍ هٰذَا فَقَالَ لِمَنْ اَعْطَی الثَّمَنَ قَالَ رَبِّ وَمَنْ یَمْلِكُ
ذٰلِكَ قَالَ اَنْتَ تَمْلِكُهٗ قَالَ بِمَ قَالَ بِعَفْوِكَ مِنْ اَخِیْكَ قَالَ رَبِّ اِنِّیْ
عَفَوْتُ عَنْهُ قَالَ اللهُ تَعَالٰی خُذْ بِیَدِ اَخِیْكَ فَاَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ رَسُوْلُ
اللهِ صلعم اِتَّقُوا اللهَ وَاَصْلِحُوْا ذَاتَ بَیْنِكُمْ فَاِنَّ اللهَ یُصْلِحُ بَیْنَ الْمُؤْمِنِیْنَ یَوْمَ
الْقِیٰمَةِ رواه الحاکم والبیهقی وسعد بن منصور عن انس یعنی دو مرد از امت من در روز
قیامت پیش رب العزت پس یکی بگوید پروردگارا مظلمه مرا از برادر من بگیر حقتعالی او را
بفرماید که بده مظلمه این برادر خود را او بگوید ای پروردگار هیچ از حسنات باقی نمانده است
حقتعالی مظلوم را بفرماید چه کنی از حسنات او هیچ باقی نمانده است او گوید ای
پروردگار گناهان من از من بردارد ازین سخن چشم مبارک آنحضرت صلعم اشک
ریختن فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه کسی گناهان من بردارد

مظلوم را بفرماید که سر بر دارد و ببین در بهشت پس سر بر دارد و بگوید که الٰہی شهرها می بینم از نقره تمامی
مرتب واز زر مرصع بمروارید برای کدام نبی یا کدام صدیق یا کدام شهید خواهد بود واین شهر حق تعالی
فرماید که این برای کسیست که بدهد قیمت بگوید ای پروردگار کیست مالک این قدر حق تعالی فرماید
که تو مالک قیمت آن هستی بگوید از چه چیز فرماید که بخشیدن حق خود را برادر خود را او گوید یا رب
بخشیدم از وحق تعالی فرماید که بگیر دست این را و داخل بهشت کن پس رسول فرمود ای
مردم پرهیز کنید از عذاب خدا و نیکوکاری با خود ها کنید که حق تعالی در روز قیامت در مسلمانان
آشتی خواهد کنانید یعنی سر کرا خواهد و رسول فرمود روز قیامت چون بهشتیان داخل بهشت شوند
و دوزخیان یعنی کافران داخل دوزخ یک آواز دهنده آواز دهد که ای اهل جمیع مظالم با بخشید
و ثواب شما بر خداست رواه الطبرانی عن انس و عن ام هانی نحوه امام محمد غزالی گفته که این احادیث
محمول اند بر کسیکه از مظالم توبه کند و آید و ترک بد آنها او واجب باشد که حقتعالی در شان
انها می فرماید اِنَّهٗ کَانَ لِلْاَوَّابِیْنَ غَفُوْرًا قرطبی گفته که این تاویل خوبست از حکم عام
نیست اگر عام بودی کسی داخل دوزخ نشدی سوال اگر شخصی بر دیگری ظلم کرد بر نفس یا مال
یا آبرو مظلوم را انتقام آن جائز باشد یا نه جواب انتقام مثل مظلمه او جائز است و زیاده از آن
حرامست و عدم انتقام افضل و اولیٰ قال الله تعالیٰ فَاعْتَدُوْا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدٰی
عَلَیْکُمْ یعنی عوض کنید بر وی مانند آنچه او ظلم کرده است بر شما این امر برای اباحت و قال
الله تعالیٰ وَاِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوْا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهٖ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَیْرٌ
لِّلصّٰبِرِیْنَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُکَ اِلَّا بِاللّٰهِ یعنی اگر عوض کنید پس عوض کنید مانند آنچه بر شما کرده است
و اگر صبر کنید پس صبر بهتر است برای صبر کنندگان و صبر کن ای محمد و نباشد صبر تو مگر بتوفیق پروردگار
او سبحانه قال الله تعالیٰ وَجَزٰٓؤُا سَیِّئَةٍ سَیِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَاَصْلَحَ فَاَجْرُهٗ عَلَی اللّٰهِ اِنَّهٗ
لَا یُحِبُّ الظّٰلِمِیْنَ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهٖ فَاُولٰٓئِکَ مَا عَلَیْهِمْ مِّنْ سَبِیْلٍ اِنَّمَا السَّبِیْلُ
عَلَی الَّذِیْنَ یَظْلِمُوْنَ النَّاسَ وَیَبْغُوْنَ فِی الْاَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ اُولٰٓئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ
اَلِیْمٌ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِکَ لَمِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ یعنی جزای بدی آنست که مثل آن
بدی کرده شود پس هر که عوض نکند و بخشد و آشتی جوید پس ثواب او بر خداست بدرستیکه حق تعالی
ظالمان را دوست ندارد یعنی دشمن میدارد و هر که عوض گیرد بعد مظلومی خود پس نیست بر وی هیچ
مواخذه در دنیا و آخرت بر کسیکه ظلم کند بر مردم و فساد کند در زمین ناحق آنهارا عذاب الیم باشد

وہر گہ صبر کنی بہتر شود بدانکہ بہترین چیز است رسول فرمود المستبان ما قالا فعلی
البادی منهما ما لم یعتد المظلوم رواه احمد و مسلم و ابوداود و الترمذی عن ابو ہریرۃ یعنی
دو کس باہم بدگوئی کنند گناہ ہر دو بدگوئی بر کسی ست کہ اول گفته تا کہ ثانی زیاده کند از آنچه اول
گفته است فرمود آنحضرت المستبان شیطانان یتهاتران و یتکاذبان رواه احمد
والبخاری فی الادب بسند صحیح عن عیاض بن حمار یعنی دو کس کہ باہم بدگوئی میکنند ہر دو شیطان
اند باہم کلام باطل میگویند و باہم دروغ گوئی میکنند قال الله تعالی ولا تستوی الحسنة
ولا السیئة ادفع بالتی ہی احسن فاذا الذی بینك و بینه عداوة کانه ولی حمیم وما
یلقاها الا الذین صبروا وما یلقاها الا ذو حظ عظیم واما ینزغنك من الشیطان
نزغ فاستعذ بالله انه هو السمیع العلیم یعنی نیکی و بدی یکسان نیست پس ہر گہ نیکی تو اند
کرد بدی چرا اختیار کند بدی بنیکی دفع کند یعنی اگر کسی با تو بدی کند تو عوض آن نیکی کن از این
عمل بدی او بر طرف شود اگر چنین کنی پس کسیکه با تو دشمنی دارد دوست یکرنگ قریب خواہد شد
و اخذ نخواہد کرد این صفت را مگر صابران و نخواہد کرد این صفت را مگر کسیکه نزد خدا نصیب
کامل دارد و اگر وسوسه بخاطر تو رسد از طرف شیطان که باز دارد از این عمل پس پناه جو از خدا
بدرستیکه خدا سمیع و علیم ست ترا پناه دہد مردی گفت یا رسول الله مرا چند غلام اند که مرا دروغ میگویند
و خیانت میکنند و نافرمانی میکنند و من آنها را میزنم و دشنام میدہم پس چگونه باشد مرا از آنها
آنحضرت فرمود که خیانت و تکذیب و عصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواہد شد پس اگر
عقاب تو از عصیان آنها کم خواہد بود ترا فضیلت خواہد بود و اگر عقاب تو بقدر گناه آنها خواہد بود برابر
خواہند شد و اگر عقاب تو از گناہان شان زیاده خواہد بود بقدر زیادتی از تو عوض گرفته خواہد
شد آنمرد گریستن و با واز نالہ کردن گرفت رسول فرمود آیا قرآن نخوانده و نضع الموازین القسط
لیوم القیمة فلا تظلم نفس شیئا وان کان مثقال حبة من خردل اتینا بها وکفی
بنا حاسبین یعنی خواہیم نهاد ترازو ہای عدل روز قیامت پس ظلم کرده نخواہد شد ہیچکس چیزی
را اگر خواہد بود ظلم بوزن دانه خردل خواہیم آورد و بس آئیم حساب کننده آنمرد گفت یا رسول الله
ستر چیزی نمی یابم از جدا کردن آنها بدرستیکه من ترا شاہد میکنم که ایشان آزاد کردم رواه احمد و
ترمذی عن عائشه رض شعر بدی را بدی سہل باشد جزا ۔ اگر مردی احسن الی من اسا
تکمیل در حسن خلق و نرمی و درست کہ حق تعالی در حق رسول کریم فرموده و انك لعلی خلق عظیم

در حقیقت تو بر خلق عظیم هستی و فرموده فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ یعنی بسبب رحمت خدا که برتست
نرم شدی تو برای مردم یعنی کریم و رحیم شدی و اگر میبودی بد خلق سخت دل هر آئینه جدا
میشدند از گرد تو پس ببخش تقصیرات شان را و دعائی مغفرت کن برای آنها اگر تقصیری کنند
در هر کار با آنها مشورت کن و حق تعالی در حق خاصان خود میگوید وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ
عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا یعنی بندگان خاص انا
که راه میروند بر زمین بنرمی و اگر جاهلان با آنها خطاب بجهل میکنند آنها در جواب آن کلامی گویند
که موجب سلامت باشد از ایذا و گناه رسول فرمود هرکه از رفق و نرمی محروم شد از هر چیز محروم
شد رواه مسلم عن جریر و فرمود محبوب ترین شما نزد من کسانند که اخلاق نیک دارند رواه البخاری
عن عبد الله بن عمرو در صحیحین هست بهترین شما نیک خلق ترِ شما است و رسول فرمود اِنَّ
الْمُؤْمِنَ لَيُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ قَائِمِ اللَّيْلِ وَصَائِمِ النَّهَارِ رواه ابو داؤد یعنی بتحقیق
مومن در یابد به نیک خوئی خود مرتبه کسی را که تمام شب نماز گذارد و در روزانه روزه دارد و فرمود انما
بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ حُسْنَ الْأَخْلَاقِ رواه مالک فی الموطا و رواه احمد عن ابی هریرة یعنی مبعوث
کرده شدم تا که تمام کنم حسن اخلاق را و رسول فرمود مَنْ تَوَاضَعَ لِلّٰهِ رَفَعَهُ اللهُ رواه ابو نعیم
فی الحلیة عن ابی هریرة در حدیث قدسی الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعَظَمَةُ إِزَارِي فَمَنْ نَازَعَنِي فِي وَاحِدٍ
مِنْهُمَا قَذَفْتُهُ فِي النَّارِ رواه احمد و ابو داؤد و ابن ماجه عن ابی هریرة و ابن ماجه
عن ابن عباس و روی الحاکم عن ابی هریرة الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي فَمَنْ نَازَعَنِي فِي رِدَائِي قَصَمْتُهُ
یعنی حق تعالی میفرماید کبریا و تکبر چادر منست و عظمت و بزرگی ازار منست هر که کشاکشی کند
با من در چیزی ازین هر دو بیندازم او را در دوزخ و در روایتی هر که چادر من کشد هلاک کنم او را
شعر دادیم ترا ز گنج مقصود نشان . گر ما نرسیدیم تو شاید برسی + رَزَقَنَا اللهُ سُبْحَانَهُ
مِنَ الْخِصَالِ مَا يَرْضَاهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تَعَالَى أَوَّلًا وَآخِرًا وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ وَالْبَرَكَةُ عَلَى رَسُولِهِ
وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَمُتَّبِعِ سُنَّتِهِ بِعَوْنِهِ تَعَالٰى

در مطبع محمدی واقع لاهور بفرمایش تاجران نامی فقیر الله و عبد العزیز
پسران احمد جامی رزقهم الله رزقا وسیعا مطبوع گردید